

مصطفی رحیمی دلواپس انسان و آزادی



دکتر سعید محبی

حقوقدان و پژوهشگر فرهنگ و ادب

ابوالفضل بیهقی، تاریخ‌گزار تیزبین و گزیده‌نویس در حوادث سال ۴۲۸ (ه. ق.) می‌نویسد: «سلطان مسعود غزنوی به من (خواجه عمید) گفت دو کیسه زر از خادم مخصوص خزانه بگیر و به بونصر بده و بگو این زرهاست که پدر ما - رضی الله عنه - (سلطان محمود غزنوی) از غزو هندوستان (جنگ هندوستان) آورده و بتان شکسته و بگداخته و پاره کرده... حلال تر مال هاست (بتهای هندوان که از طلا بوده، ذوب کرده و این زرها را ساخته) حلال بی شبهت باشد... شنیدیم که قاضی بوالحسن بولانی؛ قاضی بسُت و پسرش بوبکر، سخت تنگ دست‌اند. یک کیسه به پدر باید داد و یک کیسه به پسر تا خویشتر را ضیعتگی (مختصر مال و زمین) حلال بخردند و فراخ‌تر نتوانند زیست... من (خواجه بونصر) کیسه‌ها بستدم و نزدیک قاضی بوالحسن بولانی آوردم و حال باز گفتم. دعا کرد و گفت: این صلت؛ فخر است، پذیرفتیم اما باز دادم که مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است. حساب این نتوانم داد. بونصر گفت: سبحان الله! زری که سلطان محمود به غزو از بت‌خانه‌ها بیاورده باشد، قاضی همی‌نستاند؟! (قاضی بوالحسن بولانی) گفت: حال خلیفه دیگر است. خواجه با امیر محمود (غزنوی) به غزوها بوده و من نبوده‌ام و بر من پوشیده است بر طریق مصطفی (ص) بوده یا نه، به هیچ حال من این نپذیرم و در عهده نشوم...» بعد سلطان مسعود به این قاصد اصرار می‌کند و می‌گوید به قاضی بگو زرها را بگیر و به شاگردان و درویشان بده. باز هم قاضی بولانی نمی‌پذیرد. به پسر این قاضی می‌گوید لاقل تو بپذیر! او هم قبول نمی‌کند و می‌گوید «من فرزند این پدرم که این سخن گفت و آن چه دارم از اندک مایه حطام دنیا، حلال است و کفایت است». تا اینکه خواجه بونصر گفت: «بزرگا که شما دو تن پیدا و بگریست... و باقی روز اندیشمند بود و از این یاد همی‌کرد. دیگر روز رقعهای (نامه‌های) نیشبت به امیر و زرها باز فرستاد...»

دکتر مصطفی رحیمی را بیشتر در چهره‌ی یک روشنفکر و نویسنده و منتقد در حوزه‌ی اجتماعی و فرهنگی می‌شناسیم، اما شغل او قضاوت بود و به‌عنوان یک قاضی، نمونه‌ی بارز و روشن از قاضیانی بود که نسب به قاضی ابوالحسن بولانی می‌برند.

قضاوت، همواره شغل خطیر و وسوسه‌انگیزی بوده و هست. جان و مال و عرض مردم در دست قاضی است و به پشتوانه‌ی قانون یا شرع می‌تواند بر سر نوشت مردم اثر گذارد. معیار درستی و نادرستی عدالت و ظلم، مشروع و غیرمشروع و مجاز و غیرمجاز، یکسره در دست قاضی است. قاضی است که مفاهیم و اصول مجرد و انتزاعی حقوقی را که در لابه‌لای کلمات و جملات قانون، خفته‌اند، بیدار می‌کند و آن‌ها را به رفتار می‌آورد و قاضی است که با سرانگشت قوه تشخیص خود، پرده از رخسار قانون بر می‌گیرد و عروس عدالت را بر تخت می‌نشاند و چهره‌ی واقعی آن را - خندان و مهربان، یا عبوس و کف به دهان، یا آزادی بخش یا آزادی‌ستان - بر صفحه کاغذ نقش می‌زند.

مبادرت به قضاوت، علاوه بر کسب تخصص و دانش حقوقی، محتاج تربیت و تقویت ملکه‌ی عدالت و فضیلت است و این بسی دشوار است و جز از انسان‌های شریف و پاکدامن که جان خود را از کام ابلیس حرص و طمع در مال‌اندوزی برون آورده و از تلبیس قدرت و شهوت باز ستانده باشند، بر نمی‌آید. مصطفی رحیمی حقوقدان و نویسنده، بیگمان یکی از این کسان بود که شرف قضاوت را چند پایه بالاتر نشانده‌اند. شمار این قاضیان در آن روزگار، بس فزون بودند. دریغاً روز گاران...

مصطفی رحیمی، زاده‌ی ۱۳۰۵ خورشیدی در نائین است. در همین شهر، تحصیل کرد و سال آخر متوسطه را در اصفهان گذراند. به سال ۱۳۲۷ خورشیدی، از دانشکده‌ی حقوق دانشگاه تهران لیسانس حقوق قضایی گرفت. مدتی کارمند بانک ملی بود و یک سال بعد، یعنی ۱۳۲۸ به استخدام دادگستری درآمد و در شهرهای کوچک منطقه زادگاهش به‌عنوان قاضی مشغول به کار شد. مدتی در شهر کرد، رئیس دادگاه بخش بود. سپس به یزد و اصفهان رفت و بعد تهران آمد و قاضی‌علی‌البدل دادگاه

David H. Anderson. "Law-Making Processes, in UN System, Some Impressions, in Max Planck Yearbook of United Nations Law, Volum2, 1988, pp. 24-25 & notes.

پس از فوت استاد در تابستان ۱۳۵۰، رئیس کمیسیون در ۲۸ ژوئن ۱۹۷۱، در جلسه رسمی کمیسیون این خبر را اعلام و اظهار داشت: آقای متین دفتری حقوقدانان برجسته و رئیس جمعیت ایرانی طرفدار ملل متحد از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۱ عضو کمیسیون حقوق بین‌الملل بوده است. به این مناسبت از اعضای کمیسیون خواست تا برای بزرگداشت خاطره ایشان یک دقیقه سکوت کنند. در همان جلسه، آقای مصطفی کامل یاسین همکار سابق استاد، ضمن برشمردن صفات حمیده و نقش اساسی او در کمیسیون، پیشنهاد کرد که رئیس کمیسیون به‌نام کمیسیون، پیام تسلیتی برای خانواده‌اش ارسال دارد که به اتفاق آرا به تصویب و به اجرا گذارده شد (هوشنگ زندی، پیشین، صص ۳۰-۲۹ به‌نقل از Yearbook of ILC, 1971, Vol I, p. 257)

در مجموع، استاد به اشکال مختلف و با شرکت موثر در مجامع و کنفرانس‌های بین‌المللی، از جمله مجمع جامعه ملل، اتحادیه بین‌المللی، کمیسیون حقوق بین‌الملل، کنفرانس‌های ملل متحد برای تدوین حقوق دریاهای، کنفرانس‌های وین درباره روابط دیپلماتیک و کنسولی و کنفرانس وین درباره عهدنامه حقوق معاهدات نقش داشت. استاد علاوه بر اقدامات مترقیانه و تأثیرگذاری که در جهت اعتلای دادگستری نوین ایران انجام داد و مقام و موقعیت شایسته و ارزنده‌ای که به عنوان یک حقوقدان ایرانی در سطح بین‌الملل کسب نمود، در پیشبرد دانش حقوقی، اعم از حقوق داخلی و بین‌الملل نیز گام‌های بلندی برداشت. تدریس موفق دروس مختلف حقوقی طی بیش از ۳۵ سال در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران که حتی در مقام وزارت و نخست‌وزیری نیز آن را برای یک ساعت هم قطع نکرد (ایشان در سال ۱۳۴۹ در مرتبه استاد تمامی و به‌رغم عدم تمایل شخصی، به افتخار بازنشستگی نایل آمد)، مخصوصاً سمینارهای برپا در سلسله‌ی بین‌الملل در دوره دکترا و درس آیین دادرسی مدنی را دانشجویان استاد هرگز فراموش نمی‌کنند.

خدمت علمی دیگر استاد در زمینه اعتلای دانش حقوق در ایران، تالیف کتب ارزنده‌ای از جمله، روابط بین‌الملل از قدیم‌الایام تا سازمان ملل، سیر روابط و حقوق بین‌الملل، حقوق بین‌الملل دریایی (با دریاها) از گروسیوس تا کنفرانس‌های ژنو، ترجمه کتاب مختصر حقوق بین‌الملل اثر پروفیسور آرتورنوس بام (زیر نظر استاد)، درس سازمان ملل متحد و نقش آن در حفظ صلح جهانی است (این کتاب در نوع خود و از آن جهت که مخصوص آموزش دانش‌آموزان دبیرستانی طراحی شده، بی‌ظنیر یا حداقل کم‌ظنیر است). استاد در این کتاب تشکیل دادگاه صوری یا تمرینی برای بحث و استدلال در به دعای فرضی (Moot Court) را که امروزه در محافل آکادمیک بسیار معمول است و همچنین تشکیل مجالس و مجامع بین‌الملل «مدل» برای دانش‌آموزان دبیرستانی را پیشنهاد نمود.

به نظر اهل فن، مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر استاد، کتاب گرانسنگ «آیین دادرسی مدنی» است که امروزه برای چندین بار توسط انتشارات مجد در دو مجلد چاپ و منتشر شده است. «این کتاب، بی‌شک جامع‌ترین و کامل‌ترین کتابی است که تاکنون در این زمینه نگاشته شده است و به اقرار همه استادان این علم، با وجود آن که قانون آیین دادرسی مدنی در چند مرحله، دچار تغییراتی گشته، ولیکن این کتاب هنوز از منابع اصلی آیین دادرسی محسوب می‌شود. با مطالعه این کتاب، پی می‌بریم که چه زحمتی را مولف متحمل شده و با چه دقت و تبحری این کتاب را به رشته تحریر در آورده است... این کتاب سابقاً در ۳ جلد از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۹ منتشر شده است.» (آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، جلد اول، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، ۱۳۷۸، سخن ناشر، صص ۵) علت موفقیتی که درباره کتاب آیین دادرسی مدنی از آن یاد شد را باید در سه علت جست‌وجو کرد: استاد خود در تهیه و تنظیم قانون آیین دادرسی مدنی نقش اساسی داشته است، مطالبی که استاد به‌عنوان مقدمه کتاب در باب نقش دادگستری در برقراری حکومت قانون به رشته تحریر در آورده بسیار عالمانه و بی‌همانند است. محور اصلی مطالب کتاب در واقع فلسفه وجودی آیین دادرسی مدنی است. در مجموع، استاد مردی به تمام معنا دانشمند، محقق، حقوقدان، متخصص و استادی گرانمایه و از همه مهم‌تر، یکی از شخصیت‌های بزرگ تأثیرگذار در اعتلای دانش حقوقی، اعم از حقوق ایران و حقوق بین‌الملل بود. یادش جاودانه و گرامی باد و خدایش قرین رحمت و اوسع خود قرارش دهد.

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شده به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما

شهرستان شد. سال ۱۳۵۵ بازنشسته شد. در ۵ سال آخر خدمت قضایی اش در اداره حقوقی دادگستری خدمت می کرد و رئیس کمیسیون حقوق بین الملل اداره حقوقی بود و در همین سمت بود که بازنشسته شد.

وی دو بار هم در طول خدمت قضائی به فرانسه رفت. یکبار در سال ۱۳۳۷؛ یعنی ۱۰ سال پس از شروع کار قضایی ظاهراً به هزینه خود به فرانسه رفت و از دانشگاه پاریس، درجهی دکترای حقوق گرفت. بار دیگر در سال ۱۳۴۶ با بورس دولت فرانسه برای یک کار تحقیقی (۲) مدتی به پاریس رفت و این سفرش مصادف شد با جنبش دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ در فرانسه که از نزدیک شاهد آن بود و مقاله‌ی درخشانی در همین زمینه نوشت که در مجموعه مقالاتش به نام «نگاه» (۱۳۴۸) منتشر شده است.

از زندگی و مشاغل قضایی مصطفی رحیمی، اطلاعات چندانی در دست نیست و آن چه نوشته آمد، برگرفته از گفته‌های خود او یا خاطرات دوستان اوست که هنوز در میان ما هستند و زندگی‌شان دراز باد. همین قدر پیداست که مشاغل قضایی او، مشاغل ساده بوده - در حد رئیس دادگاه بخش، قاضی علی‌البدل دادگاه شهرستان و بالاخره مستشار اداری حقوقی دادگستری. گویی حواسش جایی دیگر بوده است. زندگی قضایی او بیشتر در سایه زندگی ادبی و عوالم نویسندگی اش بود. نه سودای رئیس دادگاه شدن را داشت و نه رفتن به دیوان کشور را. اگر هم چنین سودایی داشت، راه پیشرفت برای او چندان هموار نبود. این را خودش خوب میدانست. البته از نظر شغلی، نقطه‌ضعفی نداشت بلکه سابقه خدمت و سواد قضایی و استحقاق ترفیع هم داشت اما چون حاضر نبود زبان قلم در کام کشد و دمی آرام نشیند، رژیم گذشته با او سر مهر نداشت و ترجیح می داد او هم مانند سایر قضات مستقل و شریف، قاضی گمنامی باشد در گوشه عدلیه،

بی سروصدا و بی حاشیه. باری، روزی به من می گفت زمانی که زنده‌یاد اخوان ثالث در دام مرد قصاب گرفتار آمده بود و گذارش به دادگستری افتاده بود، سراغ مرا (مصطفی رحیمی) گرفته بود و بالاخره مرا یافت به درخواست کمک برای استخلاص و رفع اتهام (کذا فی الأصل). من (که دکتر رحیمی باشم) گفتم مرا نشاید و نباید که در امر قاضی دادرسی دادگاه پرونده تو دخالت کنم، اما به او خواهم گفت شهادت می‌دهم که در حق تو (که اخوان باشی) ستمی رفته و شاعر ما را چنین رسوایی‌ها نشاید و چنین تهمت‌ها نباید! شاعر است و عشق‌اش! این را می‌گفت و می‌خندید. می‌گفت رفتم سراغ قاضی پرونده‌اش و همین‌ها را گفتم و کمک‌ها کردم. و این تنها پارتنری بازی بود که در دادگستری آن روزگار، برای شاعر زمستان کردم. پشیمان هم نیستم.

پس از بازنشستگی، پروانه‌ی وکالت دادگستری گرفت و گویا در چند پرونده هم وکالت کرد. اما به قول خودش «وکالت به من نمی‌آمد و آمد نداشت. درآمدی هم نداشت!» پس خیلی

زود وکالت را کنار گذاشت. تا سال ۱۳۶۵ - ده سال بعد از بازنشستگی - که با معرفی و حمایت دوست دیرینه‌اش؛ نویسنده و مترجم نامدار معاصر؛ دکتر مرتضی کلاتریان که او هم از قضات برجسته و آزاده و صاحب‌نام دادگستری دهه‌های ۵۰-۴۰ است (خدایش به سلامت دارد و عمرش به بلندی آفتاب، باد) به دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی آمد به‌عنوان مشاور حقوقی. من در آن زمان در دفتر مسوولیتی داشتم و در کنار آن، مجله‌ی حقوقی دفتر را (اولین مجله‌ی حقوق بین‌الملل ایران) برای اولین بار منتشر کردم. من سردبیر آن بودم و دکتر افتخار جهرمی صاحب‌امتیاز و مدیرمسوول مجله بود. دکتر رحیمی به‌عنوان تحریریه و ویراستار مجله، مشغول کار شد و به من کمک می‌کرد. یکی دو مقاله هم ترجمه کرد که در همان مجله و در مجله‌ی حقوقی کانون و کلا چاپ شد. باری، این همه به عهد ریاست دکتر افتخار جهرمی بود در دفتر خدمات حقوقی بین‌المللی که در سماحت و گشاده‌دلی و تیزبینی - و البته در دوستی و شفقت با یاران - هیچ کم نمی‌گذاشت و نمی‌گذارد.

دکتر مصطفی رحیمی، یک نویسنده و منتقد حوزه فرهنگ و اندیشه بود و کارنامه حقوقی او را باید ذیل همین عنوان دید. چهره‌ی حقوقی او را بیش از هر جای دیگر در چند اثری نقش‌بسته که در حوزه‌ی حقوق اساسی نوشته یا ترجمه کرده است. حوزه حقوق اساسی، بی‌ارتباط با علقه‌ها و عوالم روشنفکری او - یعنی حقوق مردم و آزادی- نبود. در این زمینه سه کتاب از او به جا مانده است.

۱. کتاب «قانون اساسی ایران و اصول دموکراسی» که نخستین بار به سال ۱۳۴۷ چاپ شد (انتشارات امیرکبیر). این کتاب، چنان که نام آن نشان می‌دهد، راجع به شرح و

توضیح قانون اساسی مشروطیت در پرتو مفاهیم حقوق اساسی است، مانند حقوق دولت و ملت و آزادی‌های دموکراتیک که برای نخستین بار در قانون اساسی مشروطیت و در حقوق اساسی ایران مطرح شده است. این کتاب بعداً در سال ۱۳۸۹ تجدیدچاپ شد اما چون پس از انقلاب اسلامی، قانون اساسی تازه‌ای تصویب شده بود، اسم آن مختصر تغییر کرد: «قانون اساسی مشروطه و اصول دموکراسی».

۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دل‌مشغولی‌های دکتر رحیمی، درباره‌ی دموکراسی و آزادی، در او جاندارتر شد. پس کتابی نوشت به‌نام «درباره‌ی جمهوری اسلامی» (انتشارات توس؛ اسفند ۱۳۷۵) که حاوی مقالات و بود. نامه سرگشاده معروف او به امام (ره) و سخنرانی‌هایش در آن ایام است.

توضیح مختصر اینکه وی در اواخر دی ماه ۱۳۵۷ در آستانه‌ی فرار شاه از کشور، نامه‌ی سرگشاده‌ای نوشت به امام خمینی (ره) تحت عنوان «چرا با حکومت اسلامی مخالفاً؟». دکتر رحیمی در این نامه با قلمی هم‌دلانه، نجیب، مؤدب و از سر درد، نگرانی‌های خود را در آستانه‌ی پیروزی انقلاب با امام در میان گذاشت. به نظر می‌رسد نگران نفوذ و بهره‌برداری گروه‌ها و احزاب سیاسی بوده که کارنامه خوبی نداشتند. نکته‌سنجی‌های این نامه با مخالفت بعضی از گروه‌های چپ مواجه شد اما چون از سر حسن نیت نوشته شده بود، نقد شهید مطهری را نیز برانگیخت (ر.ک. پیام بهارستان، شماره ۱۴ - زمستان ۱۳۹۰). این نامه در این کتاب بازچاپ شده همراه با بعضی نقدها و پاسخ‌ها. افزون بر این، دکتر رحیمی در آستانه‌ی انقلاب اسلامی، (پاییز و زمستان ۱۳۵۷) مانند سایر روشنفکران آن روزگار، به دعوت محافل دانشگاهی، دانشجویی و انجمن‌های اسلامی و غیره، سخنرانی می‌کرد. گزیده‌ای از این سخنرانی‌ها در زمینه‌ی آزادی قلم و اندیشه، مبارزه با سانسور و در زمینه

پشتیبانی از نهضت مردم در مقابل رژیم شاه و خصوصاً تشویق مبارزین به همبستگی و اجتناب از درگیری‌های حزبی و گروهی بخش دیگر از مقالاتی است که در کتاب «درباره‌ی جمهوری اسلامی» گرد آمده و چاپ شده است.

۳. بالأخره در سال ۱۳۵۸، کتاب دیگری در زمینه‌ی حقوق اساسی چاپ کرد به اسم «اصول حکومت جمهوری اسلامی و اصول دموکراسی» همراه با مطالب جدید که متناسب با اوضاع و احوال اولین سال پس از پیروزی انقلاب اسلامی نگارش شده است. عناوینی مانند آزادی یعنی چه؟ مسیر حکومت مردم، اندیشه‌ی ضداستبدادی در ایران، مبانی حکومت جمهوری، در حکومت جمهوری، زمامداران چگونه باید انتخاب شوند؟ زمامداران چگونه باید حکومت کنند؟ چگونه قدرت زمامداران باید محدود شود؟ و... از جمله مباحث این کتاب است. مباحث کتاب نیز عمدتاً حول حقوق اساسی است مانند: حقوق و تکالیف دولت، حق حاکمیت ملی، استقلال قوا و آزادی مطبوعات و آزادی احزاب که بیشتر بر پایه‌ی نیازها و اقتضات روزهای اول پیروزی انقلاب نوشته شده و نشان از دغدغه‌های روشنفکران و مبارزان دارد. کتاب در واقع برای مخاطب عام نوشته شده و جنبه‌ی آکادمیک و دانشگاهی ندارد. نویسنده نیز، ادعایی ندارد که کتابی درسی درباره‌ی حقوق اساسی نوشته باشد.

۴. دکتر رحیمی یک کتاب هم از گورتیچ ترجمه کرده در زمینه جامعه‌شناسی حقوقی، (انتشارات امیرکبیر). چند مقاله هم ترجمه کرده درباره مجازات اعدام و مسائل جامعه‌شناسی حقوقی که روی هم رفته حاکی از دلبستگی‌های روشنفکری او است تا مطالعات آکادمیک و دانشگاهی حقوقی. این، نه به معنای فرو کاستن ارزش کار او است بلکه، به یک نگاه، برکشیدن تلاش او تا جایگاه واقعی و حق‌گزارای زحمات او در حوزه انسانی - حقوقی است. تا که بخواند و چگونه بخواند.

انصاف را، دکتر مصطفی رحیمی، به‌عنوان حقوق دان و قاضی، انسانی دلیر و صریح و پاکیزه و پاکدامن بود که دغدغه‌ی عدالت و آزادی داشت و دانش قضایی و حقوقی او بیش از آن که تخته‌بند تکنیک‌های قضایی باشد، دلبسته عدالت و وامدار فضیلت بود. خود چنین می‌خواست و چنین نیز بود. جامعه‌ی حقوقی ایران می‌تواند - و باید - به خود بیاید که انسان شریف و خردمند، خوش ذوق و ارجمند، نویسنده‌ای آگاه و آگاهی‌بخش که دل در گرو آرمان آزادی و عدالت داشت، به‌نام دکتر مصطفی رحیمی، در میان خود داشته است.

دکتر مصطفی رحیمی، به‌عنوان یک حقوق دان، دلواپس انسان و آزادی‌جست‌ی او بود و همچون کانت می‌اندیشید که اگر عدالت نباشد، زندگی به زحمتش نمی‌آرد.

